یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونهٔ موردی شهر کرمانشاه

کیومرث ایراندوست*، مظفر صرافی**

طرح مسأله: *یکی از نتایج شهرنشینی معاصر، شهری شدن فقر و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در درون یا مجاور شهرهای بزرگ است. این سکونتگاه‌ها جلوهٔ کالبدی فقر به شمار می‌روند که از لحاظ پویایی روند متفاوتی را طی می‌کنند.*

روش: *پژوهش با استفاده از روش‌های کمی و کیفی انجام گرفته است. داده‌های دست دوم پیمایش نمونه‌ای برای داده‌های کمی و مصاحبه‌های عمیق و گفتگوهای جمعی برای جمع‌آموری اطلاعات کیفی مورد استفاده قرار گرفته است.*

یافته‌ها: *تفاوت‌های بنیادی میان سکونتگاه‌های غیررسمی در حال ترقی و در حال زوال مشاهده می‌شود، این تفاوت‌ها ناشی از روند تکوین و تکامل و شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و محیطی سکونتگاه، و نیز رویکرد مدیریت برنامه‌ریزی شهری است.*

نتایج: *با توجه به تفاوت سکونتگاه‌های غیررسمی، که رویکرد برنامه‌ریزی شهری تاثیر به سزایی در آن دارد، باید رویکرد سامان‌دهی و به‌سازی سکونتگاه‌ها متفاوت باشد و دستور کار هر یک از سکونتگاه‌های امید و زوال متفاوت باشد.*

کلید واژه‌ها: سکونتگاه‌های امید، سکونتگاه‌های غیررسمی، سکونتگاه‌های یاس، فقر شهری

تاریخ دریافت: ۸۶/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۰/۱۵

* دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، عضو هیات علمی دانشگاه کردستان <kau1348@yahoo.com>

** دکتر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

در آغاز قرن بیست و یکم، از جمعیت بیش از شش میلیارد نفری جهان، بیشتر از۵۰ درصد در نواحی شهری زندگی می‌کنند (UN-HABITAT,2003: 25)، که عمدتاً با تمرکز در شهرهای میلیونی همراه است (صرافی،۱۳۷۹: ۶۴). از سوی دیگر آمار و ارقام از بدتر شدن شرایط فقر در سراسر جهان حکایت دارد (UN-HABITAT,2003: 36). در چنین شرایطی شهرها ، به ویژه شهرهای میلیونی کشورهای در حال توسعه به شکل غم انگیزی مکان تمرکز فقر شده و به مرور تعداد زیادی از فقرا به حاشیه شهرها رانده می‌شوند که در آن‌جا نیز با مشکلات جدیدی برخاسته از شرایط محلی روبه‌رو می‌شوند(Hall & Ulrich, 2000:14).

در واقع با وجود نابرابری‌های موجود در نظام اقتصادی حاکم، دسترسی به بسیاری از فرصت‌های رسمی از جمله مسکن برای بسیاری از فقرا غیر ممکن است، بنابراین راه غیررسمی، فرصت تامین بسیاری از نیازها را برای فقرا مهیا می‌کند. در حال حاضر مسکن غیررسمی به شیوهٔ رایج زندگی میلیون‌ها نفر بدل شده است؛ در حقیقت فقرای شهری ناخواسته و ناگزیر در دام نظامی غیرقانونی و غیررسمی ، در این محلات فقیرنشین گرفتار شده‌اند(UN-HABITAT,2003: 6).

در ایران نیز به موازات رشد شهرنشینی، گسترش محلات فقیرنشین به ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی از پدیده‌های فراگیر شهر معاصر بوده است؛ به لحاظ تاریخی جامعهٔ ایرانی با ساختاری نسبتاً سنتی در حالی وارد دورهٔ معاصر شد که زمینه‌ها و تمهیدات لازم برای روبه‌رو شدن با چالش‌های نوین دنیای سرمایه‌داری را نداشت. ادغام ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی با تبدیل شهرها به نقاط ثقل تولید، توزیع، مصرف و سرمایه همراه بود؛ در حقیقت شهرها به مثابهٔ گرهگاه‌های اقتصادی، با رشد فزایندهٔ بخش صنایع و خدمات زمینه‌های تمرکز جمعیت هرچه بیشتر را ایجاد نمودند. هم‌زمان آن‌چه که می‌توان برنامه‌ریزی شهریِ محدودکننده و جداکننده‌اش نامید، از اوائل حکومت پهلویِ دوم اثرات خود را تشدید کرد و بازتاب فضایی آن به صورت تشکیل محلات غیررسمی پدیدار شد و در ادامه نیز به دلایل ساختاری و محلی، روند رو به رشد تشکیل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سکونتگاه‌های غیررسمی ادامه داشت. اما نکتهٔ قابل توجه تثبیت بخش قابل توجهی از این سکونتگاه‌ها در سال‌های اخیر است. با این وجود، معدودی از این سکونتگاه‌ها با گسست کالبدی از شهر نوعی گسست اجتماعی و اقتصادی را نیز تجربه می‌کنند.

آغاز مطالعهٔ پدیدهٔ اسکان غیررسمی در ایران به صورت نسبتاً مفصل به اواخر دههٔ ۱۳۴۰ باز می‌گردد. اولین مطالعات سازمان‌یافته پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن، در سال ۱۳۴۲ و زیر نظر مدیریت امور اجتماعی آن وزارتخانه انجام شد که بیشتر به تشریح توصیفی زندگی ساکنان محلات حاشیه‌ای مربوط بود (حاج یوسفی،۱۳۸۰:۲۲).

در آغاز دههٔ ۵۰ با همکاری سازمان برنامه و بودجه و موسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران این سکونتگاه‌ها در چند شهر بزرگ کشور از جمله بندرعباس، همدان و کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفت که در این مطالعات ویژگی‌های عمومی این سکونتگاه‌ها تشریح شده و برحسب نوع مسکن طبقه‌بندی شدند (احسن و نیرومند،۱۳۵۱).

در دههٔ۶۰، مجموعه پژوهش‌های پرویز پیران که نتایج آن به تدریج در ماهنامهٔ اطلاعات سیاسی و اقتصادی دههٔ ۶۰ و ۷۰ منتشر شد، در غنای مباحث نظری فقر شهری و مسکن غیررسمی و تبیین ابعاد این پدیده درکشور بسیار موثر و راهگشا بود. در این مجموعه مقالات مسأله توسعه برون‌زا، شهرنشینی و آلونک نشینی به صورت نظری و موردی، مورد بحث قرار گرفت. پیران در ارائهٔ نظریه‌هایی در شناسایی علل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها سه سطح خرد، میانه وکلان را مورد توجه قرار داد و در مطالعات بعدی نیز این نظریه‌ها را در نمونه‌های موردی به کار گرفت (Piran, 2000: 9).

دراوائل دههٔ ۱۳۷۰ طرح تحقیقاتی حاشیه‌نشینی در ایران (نمونهٔ تهران) انجام شد که در شکلی نسبتاً مفصل و به صورت میدانی سابقه، علل و زمینه‌ها، و ویژگی‌های پدیده را به بحث گذاشت. دراین مطالعات که نتایج آن تحت عنوان "حاشیه نشینی در ایران، علل و راه‌حل‌ها" منتشر شد، رویکرد بخش رسمی و دولتی و برنامه‌ریزی شهری به مسکن و سهم آن در شکل‌گیری پدیدهٔ اسکان غیررسمی مورد بررسی قرار گرفت (وزارت مسکن و شهرسازی،۱۳۷۴:۲).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدیدترین پژوهش‌های میدانی در این زمینه مربوط به مطالعات طرح‌های به‌سازی و توانمندسازی است که از سوی وزارت مسکن و شهرسازی (شرکت عمران و به‌سازی شهری) انجام شده و ابعاد جدیدی را از پدیدهٔ اسکان غیررسمی در شهرهای مختلف، از جمله در کرمانشاه نشان داده است.

۱) چارچوب نظری

مفهوم «آلونک‌های امید»[1] (محله‌های فقیرنشین امید) و «آلونک‌های یاس»[2] (محله‌های فقیرنشین نومیدی) را برای نخستین بار اوائل دههٔ ۱۹۶۰ استاکس (Stokes) ارائه کرد. وی در مقاله‌ای با طرح این دو اصطلاح به ترسیم مرز مشخصی بین جوامع فقیر موفق (رو به ترقی) و ناموفق (روبه زوال) پرداخت. منظور استاکس از آلونک‌های امید، سکونتگاه‌هایی بود که روند رو به بهبود و آینده‌ای روشن را در پیش داشتند، و برخلاف آن آلونک‌های یاس چشم‌اندازی روشن از ارتقا و بهبود را نشان نمی‌داد و به تعبیری در قهقرا و زوال قرار داشتند. این در حالی بود که پیش از آن، نظریهٔ "فرهنگ فقر"[3] اسکار لوئیس (Oscar Lewis) زمینه‌ساز نگرش بدبینانه به محلات فقیرنشین شهری و در نتیجه موجی از تخریب و پاک‌سازی این محلات بود (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

پس از آن چند چهرهٔ عموماً دارای دیدگاه لیبرالی همچون جان. اف. سی. ترنر (John. F. C. Turner) انگاره‌های رایج را به چالش کشیده و نوید نگرشی نو در این زمینه را دادند. از نظر ترنر دولت صرفاً باید زمینهٔ بهبود مسکن خودیار را فراهم سازد و شرایط ساخت و امکانات لازم را فراهم کند (پیران،۱۳۷۳: ۹۶). از این رو، مهم‌ترین توصیهٔ ترنر از جنبهٔ

1. Slum of Hope
2. Slum of Despair
3. Culture of Poverty

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سیاست‌گذاری آن بود که «دولت‌ها باید به خودیاری فقرا کمک کنند تا آنان خود بتوانند شرایط خود را بهبود بخشند» (گیلبرت و گاگلر،۱۳۷۵ :۱۹۴). تقریباً در شباهت‌هایی با گونه‌شناسی استاکس، ترنر نیز گروه‌های ساکن در این سکونتگاه‌ها را بر پایهٔ پویایی سکونت به سه دسته تقسیم کرد. از نگاه ترنر طلایه‌دار[1] یا تازه‌واردِ کم درآمد، معمولاً مهاجر نو رسیده‌ای است که به دنبال مستقر شدن در شهر و یافتن شغل و ساکن شدن در نزدیکی هستهٔ اقتصادی شهر است. گروه دوم، در پی تثبیت[2] موقعیت‌اند و با جای پایی که در اقتصاد شهری یافته‌اند به دنبال دستیابی به استانداردهای بالاتر امکانات و حتی مالکیت مسکن هستند. گروه سوم، یعنی جویندگان پایگاه درآمدی متوسط[3] نیز در حال طی کردن پله‌های ترقی هستند و استانداردهای جدید تسهیلات زندگی برایشان هدف اصلی است (همان: ۲۲۹). در ارتباط با مفاهیم ارائه شده از سوی ترنر نگرانی عمده برای طلایه‌داران و تثبیت شوندگانِ بسیار فقیر است که در میان آنان گروه قابل ملاحظه‌ای توان رسیدن به فرایند تثبیت موقعیت را ندارند که تقریباً همان ساکنان آلونک‌های یاس هستند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

علاوه بر ترنر، ویلیام مانگین (William Mangin) انسان‌شناس آمریکایی بر تقویت این دیدگاه افزود و همچون ترنر از **مسکن خودیار** به عنوان نیروی مثبتی در تأمین مسکن فقرا یاد کرد. وی در آثار خود دیدگاه‌های مسلط تا آن زمان در این زمینه را نادرست خواند و تأکید کرد که به رغم برداشت عمومی، اکثر ساکنان این مساکن شاغل‌اند، از ثبات اجتماعی برخوردارند و پیشینهٔ آن‌ها در سکونت شهری چشمگیر است (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۲۲۵–۲۲۶). همچنین پژوهشگرانی چون مانوئل کاستلز (Manuel Castells)، فرناندو هنریکو کاردوزو (Fernando Henrique Cardoso)، فلورستان فرناندز (Florestan Fernandez) و جنیس پرلمن (Janice Perlman)، بر غنای این مباحث افزودند. در این میان پرلمن از شهرت و تاثیرگذاری بیشتری برخوردار شد. وی در اثر مشهور خود به عنوان "افسانهٔ

1. Bridgeheader
2. Consolidator
3. Middle-income Status Seekers

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

حاشیه‌ای شدن، *فقر شهری و سیاست‌ها در ریودوژانیرو*"[1]، که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، به شکلی ساختارشکنانه نوشت: "ساکنان فاولاها[2] از نظر سیاسی و اقتصادی حاشیه‌ای نیستند اما سرکوب و محروم شده‌اند، از نظر اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌ای نیستند بلکه از یک نظام طبقاتی داغ ننگ کشیده‌اند و بر کنار مانده‌اند" (Perlman, 2004:121). پرلمن در بررسی مجدد محلات مورد بررسی خود در سال ۲۰۰۲، به روشنی به شکلی جدید از حاشیه‌نشینی اشاره کرد که با توجه به عواملی از جمله گسترش شکاف فقر و عوامل کلان اقتصادی، شرایط غیررسمی و نبود نظارت وشرایط کار در جامعهٔ صنعتی جدید شکل گرفته است (Ibid:119).

کتی راکووسکی (Cathy Rakowsky) از تحلیل‌گران شهری مسألهٔ غیررسمی بودن شهری را بر اساس دو رویکرد اصلی تحلیل کرده است. نخست، رویکرد ساختاری که بر پایهٔ همان افکار نئومارکسیستی و نظریهٔ وابستگی است که از پایه‌های فکری، نگرش سازمان بین‌المللی کار (ILO) را تشکیل داده است. وی استدلال می‌کند که اهمیت رویکرد ساختاری در این است که غیررسمی بودن در جوامع پیرامونی را با ماهیت نامتعادل توسعهٔ سرمایه‌داری توجیه می‌کند (Alsaayyad,2004:12). رویکرد دوم مورد اشارهٔ راکووسکی، نئولیبرالیستی است که بر وضعیت" قانونی ـ بوروکراتیک" دولت تاکید می‌کند که در واقع این وضعیت باعث جدایی بخش رسمی و غیررسمی می‌شود. این دیدگاه (با تحلیلی در سطح میانه) بر الزامات و محدودیت‌های نهادی و شغلی اشاره دارد که غیررسمی بودن را یک راهبرد منطقی می‌کند. از آن جمله دسوتو در تحلیل مفصلش که بر تجربهٔ وی در پرو مبتنی است، به هزینهٔ رسمی شدن یا هزینه‌های قانونی شدن[3] و نقش آن‌ها در شکل‌گیری عرصه‌های غیررسمی اشاره دارد (DeSoto ,1998 : 132-139). این گروه در مواردی چون دوگانگی اقتصاد و مسأله به حاشیه رانده شدن با ساختارگرایان هم‌فکراند. «دیدگاه

1. The Myth of Marginality:Urban Povrty and Politics in Rio de Ganeiro

۲. سکونتگاه‌های تهیدستان در آمریکای لاتین (Favelas)

3. Cost of Legality

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نئولیبرالیستی به ویژه با اثرگذاری افرادی چون دسوتو در مقولهٔ کارآفرینی خرد حمایت‌های عمده‌ای را در عرصه کشورهای درحال توسعه در دههٔ گذشته کسب کرد که با ایجاد امکانات چشم‌گیری برای توسعهٔ مبتنی بر مکانیسم بازار، به‌خصوص در ارتباط با سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول توام شد» (Alsaayyad,2004:13).

کوتاه سخن این‌که شهرنشینی شتابانی در کشورهای در حال توسعه در جریان است که بخش قابل توجهی از آن در فرایند غیررسمی شدن به ایجاد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی منتهی می‌شود. نظریه‌پردازی‌های رایج در رویارویی با این چالش دو جنبهٔ امید و ناامیدی را به منظور شناخت نیروهای ارتقادهنده و یا تنزل‌دهنده شناسایی کرده‌اند. در تحقیق حاضر با تکیه بر چنین رویکردی تلاش در یافتن سیاست‌گذاری مناسب برای توسعهٔ راستین این اجتماعات است.

۲) روش تحقیق

۲-۱) روش اجرا

در این پژوهش برای نشان دادن چگونگی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی و پویایی و میرندگی در آن‌ها با استفاده از روش‌های کمی و کیفی اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل مسأله گردآوری شده است.

۲-۲) جمعیت آماری و ابزار تحقیق

در روش پیمایشی با تکمیل پرسش‌نامهٔ مفصل از ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و مسکن خانوار از ۲۰۰ خانوار نمونه در سه سکونتگاه مورد مطالعه اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. انتخاب سکونتگاه‌های نمونه بر اساس ویژگی‌های عام سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه بوده است، به نحوی که ویژگی‌های این سه محله به مثابهٔ نمونه کامل گروه‌های اصلی سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه قابل تعمیم باشد. علاوه بر آن، مصاحبهٔ عمیق یکی از شیوه‌های عمدهٔ گردآوری اطلاعات به ویژه در زمینه‌های کیفی بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در این میان از برگزاری گفتگوهای جمعی[1] اطلاعات مفیدی جهت تحلیل مسأله به دست آمد. بسیاری از آمار و داده‌های مربوط به سابقه و وضع موجود پدیده نیز از بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای مسأله حاصل شده است و مشاهدهٔ مستقیم تامین‌کنندهٔ بسیاری از اطلاعات مفید بوده است.

۳-۲) تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش بر اساس اطلاعات و آمار گردآوری شده، سه سکونتگاه نمونه به تفصیل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند و شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آن‌ها تحلیل شده است.

فرضیهٔ اصلی پژوهش این است که به شکلی دوگانگی روند رو به بهبود و روبه افول (امید و یاس) در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران نیز قابل مشاهده است که اتخاذ رویکرد بهسازی و توانمندسازی متفاوتی را ضروری می‌کند.

۳) یافته‌ها

۳-۱) سابقهٔ محلات فقیرنشین کرمانشاه

شهر کرمانشاه در میان رشته‌کوه‌های موازی زاگرس و در دشتی رسوبی و میانکوهی و برکنار رود قره‌سو قرار گرفته است. این دشت با توجه به دارا بودن مرکزیت برای دشت‌های حاصلخیز اطراف و موقعیت ارتباطی مناسب، زمینه‌های تجمع مازاد محصول و در نتیجه، رشد و بالندگی شهر کرمانشاه در دوران مختلف را مهیا کرده است.

جمعیت شهر کرمانشاه در اولین سرشماری رسمی کشور (آبان‌ماه ۱۳۳۵) حدود ۱۲۵۴۳۹ نفر بوده است که با متوسط رشد ۴/۲۵ به ۷۹۴۸۶۳ نفر در آبان‌ماه ۱۳۸۵ رسیده است. بیشترین رشد جمعیت شهر کرمانشاه (۶/۷۹ درصد) مربوط به دههٔ ۶۵-۵۵ است که

1. Focus Group

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

علاوه بر رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های روستایی، از مؤلفهٔ جنگ و مهاجرت‌های جنگی بیشترین تأثیر را پذیرفت.

جدول ۱: متوسط رشد سالانه (به درصد) جمعیت شهر کرمانشاه (۸۵-۱۳۳۵)

	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۳۵-۱۳۸۵
شهر کرمانشاه	۴/۱۳	۴/۴۶	۶/۷۹	۲/۱۴	۱/۳۸	۳/۷۶
شهری کشور	۵/۱	۴/۹	۵/۴۱	۳/۲۱	۲/۷۴	۴/۲۵

منبع: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵-۱۳۳۵

هیچ اطلاعات و سندی در مورد وجود سکونتگاه‌های فقیرنشین در سطح شهر کرمانشاه تا پیش از دههٔ ۱۳۴۰ وجود ندارد و تقریباً هم‌چون بیشتر شهرهای ایران، تشکیل یک محله بر مبنای ویژگی‌های اقتصادی و بر محور فقر وجود نداشته است. این امر به دلیل نبود شکاف طبقاتی چشمگیر و نبود قوانین و مقررات شهری موثر در مکان‌گزینی مسکن خانوار بوده است. شاید نخستین نشانه‌های جدایی گزینی که بیشتر جنبهٔ نژادی و قومی داشت، در اوائل دههٔ ۱۳۴۰ در محلهٔ کولی آباد کنونی پدیدار شد و تا انتهای دههٔ ۱۳۴۰ هستهٔ سکونتگاه‌های فقیرنشین دیگری به تدریج در سطح شهر تشکیل شدند (احسن و نیرومند، ۱۳۵۱). در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به دلایل مختلفی روند مهاجرت در سطح استان بسیار تشدید شد که با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجران روند تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی به نحو فزاینده‌ای تشدید شد. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت شهر کرمانشاه در سکونتگاه‌های فقیرنشین ساکن‌اند و به نوعی با مشکل بد مسکنی دست به گریبان‌اند (مهندسین مشاور تدبیرشهر،۱۳۸۲: ۵۸). این سکونتگاه‌ها عمدتاً شامل روستاهای ادغام شده در شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی شکل گرفته در چند دههٔ اخیرند.

۲-۳) ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه

برای تبیین هرچه بهتر وضعیت اسکان غیررسمی در شهر کرمانشاه در این پژوهش سه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. سکونتگاه دولت آباد در غرب شهر کرمانشاه و جادهٔ کمربندی غربی شهر در انتهای دههٔ ۴۰ تشکیل شد. نخستین گروه‌های ساکن در این محل خانوارهایی بودند که در سال‌های احداث جادهٔ کمربندی غربی کرمانشاه اجباراً جابجا شدند؛ پس از آن، با اسکان برخی از خانوارهای سیل‌زده و کم‌درآمد از سوی هلال احمر (شیر و خورشید) در ضلع شمال غربی کنونی محله کانون اصلی محله شکل گرفت و با تفکیک و واگذاری زمین‌های زراعی اطراف به صورت غیررسمی، به سرعت رشد کرد.

سکونتگاه چمن در حاشیهٔ غربی کمربندی غربی و غرب سکونتگاه غیررسمی کولی‌آباد (زورآباد یا چال بزگیرها) قرار گرفته است. اگر چه از ابتدای دههٔ ۵۰ در این مکان اندک ساخت و سازی وجود داشت، اما عملاً این سکونتگاه در اواسط دههٔ ۱۳۵۰ تشکیل شد. چمن از معدود سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه است که با توجه نامطلوبیت محیط و عوامل تعیین‌کننده‌ای همچون نامطلوب بودن منابع آب و رواداری و تحمل و آسایش محیط شکل گرفته است.

روستای سرخه لیژه در منتهی‌الیه شمال غرب شهر کرمانشاه، از سکونتگاه‌های با سابقهٔ دشت کرمانشاه است و از آغاز دوران معاصر رشد شهر کرمانشاه دارای سکنه بوده است. ساکنان آن به کشاورزی و دامداری اشتغال داشته‌اند که هنوز هم برخی از زمین‌های کشاورزی آن باقی است. از ویژگی‌های این سکونتگاه انزوا و دوری از تحولات شهر است اما با این حال در چند سال اخیر با رشد غیررسمی مواجه بوده است. در مجموع اطلاعات گردآوری شده نکات قابل توجهی را از شرایط این سه محله نمایان می‌سازد.

۳-۳) ویژگی‌های اجتماعی ـ اقتصادی

بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از ویژگی‌های اعضای خانوار، تفاوت‌های بسیاری را میان این سه سکونتگاه نشان می‌دهد (جدول شمارهٔ ۲). تفاوت در بعد خانوار و نسبت جنسی، به ساختار جمعیتی محلات و ویژگی‌های محله باز می‌گردد. محلهٔ دولت آباد با وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر و تمرکز مراکز خدماتی، ظاهراً جاذبهٔ بیشتری برای نیروی کار مردان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جوان دارد. بر این اساس نسبت مردان بالاتر از زنان است و از لحاظ سنی نیز با افزونی جمعیت جوان در سن کار روبه‌روست. اگرچه از لحاظ ساختار سنی، جوانی جمعیت مشخصهٔ هرسه سکونتگاه است، اما در چمن و سرخه‌لیژه گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال بیشترین تعداد را در بر گرفته، در حالی که در دولت‌آباد، گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال از تعداد بیشتری برخوردار است.

جدول ۲: بعد خانوار، نسبت جنسی و نسبت خانوار دارای سرپرست زن در محلات

محله	بعد خانوار	نسبت جنسی	نسبت خانوارهای دارای سرپرست زن(درصد)
سرخه لیژه	۴/۵۸	۹۱	۱۲
چمن	۵/۶۸	۱۰۰	۲۶
دولت آباد	۵/۲	۱۲۲	۵
کل	۵/۱۶	۱۰۸	۱۲

بعد خانوار ظاهراً با سابقهٔ سکونت و پیوند ساکنان با شهر ارتباط دارد، به نحوی که چمن با ساختار روستایی غالب، دارای بالاترین بعد خانوار می‌باشد. نکتهٔ جالب توجه در این میان بالا بودن نسبت زنان سرپرست خانوار در محله چمن، در مقایسه با دو محلهٔ دیگر است که به وجود تعداد زیادی از خانوارهای آسیب دیده و با سرپرست زن در چمن باز می‌گردد. این گروه که بسیاری از آنان از شهرنشینان با سابقه هستند با اجاره و یا خرید مسکنی ارزان در این سکونتگاه هزینه مسکن خود را کاهش می‌دهند.

بررسی محل تولد اعضای خانوار نشان می‌دهد سهم متولدان شهر کرمانشاه از کل جمعیت ۷۰/۱ درصد است، که برای سه محله ارقام متفاوتی را نشان می دهد. محلهٔ سرخه لیژه با ۹۰/۸ درصد بیشترین سهم را داراست؛ سپس دولت آباد با ۶۵/۸ و چمن با ۶۱/۳ قرار دارند. در این رابطه بالا بودن سهم متولدان شهر کرمانشاه در سرخه‌لیژه قابل توجه است که نشان دهندهٔ کارکرد اصلی این سکونتگاه در جذب کم درآمدان شهریِ با سابقه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

است. این کم‌درآمدان که از گروه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوتی تشکیل شده‌اند، عموماً برای جبران افزایش هزینهٔ زندگی به مرور زمان به این سکونتگاه نقل مکان می‌کنند.

در این میان چمن نقش متفاوتی دارد و عملکرد آن در جذب مهاجران کم درآمد محلات دیگر شهر و روستاها و شهرهای استان و خارج از استان قابل توجه است. در دولت آباد بیشترین سهم مهاجران مربوط به مناطق شهری و روستایی غرب استان و استان کردستان است. در این مورد نیز پیوندهای مذهبی و قومی در جذب مهاجران کاملاً مشهود است.

در مورد محل تولد بر حسب شهر یا روستا نیز نتیجه متفاوت است. از کل جمعیت نمونه در مجموع ۷۷/۹ درصد متولد شهر و ۲۲/۱درصد متولد روستا بوده‌اند. در این میان سهم متولدان روستا در چمن ۳۰، دولت‌آباد ۲۱ و سرخه لیژه ۱۳/۵ بوده است که ناشی از کارکرد سکونتی متفاوت این سه محله است. نسبت سهم متولدان روستا در میان سرپرستان خانوار برای سرخه لیژه ۳۶، چمن ۶۸ و دولت آباد ۵۸ درصد است. در مجموع مقایسهٔ محل تولد سرپرست خانوار و اعضای خانوار گویای سکونت نسل جدید متولد شهر در این محلات است که در مقایسه با والدین مهاجر خود انتظارات متفاوتی از شهر دارند. چنان‌که در میان سرپرستان خانوار ۶۶ درصد مهاجر بوده‌اند، این رقم برای سرخه لیژه ۳۴، دولت آباد ۷۱ و چمن ۸۸ درصد است. این در حالی است که سهم مهاجرت در کل اعضای خانوار، در دولت‌آباد ۳۵/۷، چمن ۲۰/۴ و سرخه لیژه ۱۰ درصد کل جمعیت بوده است.

جدول ۳: میزان سواد، بیکاری و فعالیت در محلات (درصد)

شاخص	دولت آباد	سرخه لیژه	چمن	کل
میزان با سوادی اعضای خانوار	۸۰/۶	۸۸/۳	۷۲/۳	۸۰/۹
میزان با سوادی سرپرست خانوار	۶۱	۷۲	۴۴	۵۹/۵
میزان فعالیت	۴۱	۳۴	۳۲/۵	۳۷/۵
بیکاری	۲۴	۲۷/۵	۴۵/۵	۳۰
بار تکفل	۳/۵	۴/۶	۶/۶	۴/۳

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بررسی سواد و اشتغال در سطح محلات نشان می‌دهد که از این منظر هم تفاوت‌های فراوانی وجود دارد. علاوه بر تفاوت سطح سواد میان محلات، میان میزان سواد سرپرست خانوار و اعضای خانوار تفاوت زیادی به چشم می‌خورد.

در مورد شاخص‌های اشتغال نیز در مجموع بالا بودن میزان بیکاری در هرسه سکونتگاه قابل توجه است. در این میان بالا بودن سطح بیکاری و بار تکفل و پایین بودن میزان فعالیت در چمن وضعیت نامطلوب اقتصادی خانوارهای ساکن در این محله را نشان می‌دهد. هم‌چنین در هرسه محله بیشتر شاغلان در بخش غیررسمی اقتصاد شاغل‌اند و از مزایای بیمه برخوردار نیستند. از این نظر هم چمن شرایط نامطلوب‌تری دارد.

یکی از عمده‌ترین شاخص‌های سنجش فقر مطلق، درآمد خانوار است. در حقیقت درآمد تعیین‌کنندهٔ معیارها و سطح زندگی افراد است و تا حد زیادی دیگر معیارها همچون کالری مصرفی را نمایندگی می‌کند. تعیین خط فقر از سوی نهادهای متفاوتی در کشور تعیین می‌شود که در جدیدترین مورد، وزارت رفاه و تامین اجتماعی برای خانوار شهری با بعد ۴/۶ نفر، ۱۶۰ هزار تومان را درآمد کافی برای قرار گرفتن بالاتر از خط فقر مشخص کرد. این رقم برای خانوار روستایی با همان بعد ۱۳۰ هزار تومان برآورد شده است. بر این اساس، در هر خانوار برای زیستن بالاتر از خط فقر، درآمد ماهانهٔ سرانهٔ ۳۴۸۰۰ تومان لازم است[۱]. بنابراین خانوارهایی که دارای درآمد سرانه پایین‌تر از مبلغ ۳۴۸۰۰ تومان هستند، در فقر مطلق به سر می‌برند.

بر اساس این شاخص، در مجموع، بیش از ۶۳ درصد از خانوارهای ساکن در این سه محله در فقر مطلق به سر می‌برند و از توان تامین مایحتاج اولیهٔ زندگی محروم هستند. این نسبت برای سرخه لیژه ۶۶ درصد، چمن ۹۴ درصد و دولت آباد ۴۷ درصد است. قابل توجه است که ۷۸ درصد خانوارهای چمن درآمد سرانه‌ای پایین‌تر از ۲۰ هزارتومان دارند که اینان از فقیرترین افراد هستند و در فقر مزمن به سر می برند.

۱. به نقل از وزیر رفاه و تامین اجتماعی در ۸۵/۸/۱۳ <www.refah.gov.ir>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۴-۳) ویژگی‌های کالبدی

بررسی سه نمونه از محلات غیررسمی شهر کرمانشاه نشان می‌دهد که این محلات از مشکلات متنوعی برخوردارند. نامطلوبیت محیط و کمبود زیرساخت‌ها به ویژه در چمن از مسائل عمده است و به‌کارگیری مصالح کم‌دوام و بازیافتی، ناپایداری بیشتر مسکن را به همراه دارد. از این جنبه سکونتگاه چمن در وضعیت بسیار نامناسبی به سر برده که جنبه‌های نامطلوب محیط را به مراتب تشدید می‌کند. وضعیت شاخص‌های مسکن در سه محله، تفاوت‌های روشنی را نشان می‌دهد که در بیشتر موارد مانند سرانه‌های اتاق و زمین و زیربنا، چمن وضعیت نامطلوبی دارد. در مورد مساحت کل زمین نیز سرخه‌لیژه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این نیز به دلیل وجود خانه‌های با متراژ بالا باقی مانده از روستای قدیم است. فضای باز برای خانوار و نفر، تفاوتی اندکی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: سرانه‌های مسکن در محلات مورد بررسی

محله	نفر در اتاق	اتاق برای خانوار	متوسط زیربنای خانوار	زیربنا برای هر نفر	متوسط مساحت زمین	متوسط فضای باز برای خانوار	متوسط فضای باز مسکن برای هر نفر	خانوار در هر واحد مسکونی
دولت آباد	۲ /۱	۲/۳۸	۷۲/۳	۱۳/۹	۹۴/۷	۲۲/۴	۴/۳	۱/۳
سرخه لیژه	۲/۰۸	۲/۲	۷۴/۹	۱۶/۳	۱۴۰	۶۵/۳	۱۴/۲	۱/۲
چمن	۳/۰۲	۱/۸۸	۵۷/۰۷	۱۰	۸۰	۲۳/۸	۴/۲	۱/۱۶
کل	۲/۳	۲/۲	۶۹/۱	۱۳/۳	۱۰۲/۶	۳۳/۴	۶/۵	۱/۲۴

در چمن اغلب خانوارها توان ساخت زیربنای مورد نیاز را ندارند و از حداقل زیربنا برخوردار شده‌اند و بخش عمده‌ای از زمین به صورت ساخته نشده باقی مانده است. به ویژه در موارد تصرفی، خانوار زمینی را بیشتر از استطاعت ساخت در اختیار دارد و توان ساخت بخش محدودی از زمین را دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

از میان مشکلات ابراز شده از سوی ساکنان، اگرچه مواردی چون بیکاری و نبود تسهیلات در محلات مشترک است، اما در مورد برخی از مشکلات و اولویت آن‌ها تفاوت وجود دارد، در مجموع مشکلات دولت آباد بسیار عام تر و مربوط به دوران تثبیت است. این محله با رفع این مشکلات به دنبال پیوند هرچه بیشتر با شهر و کاهش کمبودهای نسبی است. اما در سرخه لیژه، مشکلات عموماً برخاسته از موقعیت و انزوا و ساختار دوگانه و روستایی این سکونتگاه است. در چمن مشکلات مربوط به آن دسته از سکونتگاه‌های غیررسمی هستند که در آغاز راهِ تثبیت هستند.

جدول ۵: مشکلات اصلی در سطح محلات

سرخه لیژه	چمن	دولت آباد
گاز شهری (بخش غربی)	فقر و بیکاری	بهداشت محیط
کیفیت معابر و آسفالت	فاضلاب شهری	کیفیت معابر و آسفالت
بهداشت محیط	ناپایداری مساکن	بیکاری
کمبود امکانات و تسهیلات خدماتی و فرهنگی	مالکیت نامشخص زمین	تراکم بالای جمعیت
کیفیت نامطلوب برق	گاز شهری	کمبود امکانات عمومی
انشعاب غیر قانونی برق	کیفیت نامطلوب و آسفالت معابر	روشنایی نامناسب معابر
امنیت عمومی به‌ویژه در شب	وجود کولی ها و عدم تجانس اجتماعی	مسائل فرهنگی جوانان
وجود دام در سطح محله	بهداشت محیط و زباله	امنیت عمومی
مشکل حمل‌ونقل وارتباط به ویژه در شب	اعتیاد و نابهنجاری اجتماعی	
بیکاری	نبود تسهیلات بهداشتی و فرهنگی	

۵-۳) جمع‌بندی ویژگی‌های سکونتگاه‌ها

اطلاعات گردآوری شده در این پژوهش ویژگی‌های سه سکونتگاه را به تفصیل نمایان می‌سازد. این سکونتگاه‌ها در عین اشتراکاتی به ویژه در زمینهٔ فقر، از تفاوت‌های اساسی ساختاری و کارکردی برخوردارند و ساخت‌یابی متفاوتی دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

چمن مصداق یک سکونتگاه غیررسمی کامل است که روند شکل‌گیری آن از ادغام دو الگوی تصرف خزنده و تقسیم و بازتقسیم زمین‌های کشاورزی خصوصی و دولتی شکل گرفته است. در روند تکوین و تکامل چمن وجود باندهای محلی فعال در امر زمین و پیوندهای قومی مهاجران بسیار موثر بوده است. بیشتر ساکنان آن را روستائیان مهاجری تشکیل داده که غالباً با گذراندن دوره‌ای از سکونت در محلات داخلی شهر، به ویژه محلات صابونی، اربابی نقلیه و کولی آباد، به این محله نقل مکان کرده‌اند.

اختلاف قیمت مسکن و زمین این محله با سایر محلات رسمی و حتی نیمه رسمی شهر، منطق سکونت فقرا را در آن توجیه می‌کند. تعدادی از خانوارهای ساکن در این مکان مستأجر هستند که از کم درآمدان ناتوان در خرید مسکن هستند. در میان ساکنان این سکونتگاه نسبت خانوارهای آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر از جمله با سرپرستان زن و سرپرستان ناتوان و معتاد بالاست. پایین بودن سطح سواد و مهارت‌ها و نیز اشتغال غیررسمی نازل و پایین بودن درآمد، تمرکز فقر، نابرخورداری از تامین مالی رسمی، ناپایداری و استانداردهای پایین مسکن و محیط، چند و چون ناچیز زیر ساخت‌های پایه و تسهیلات مسکن و نبود تأمین حق مالکیت مسکن از مشکلات عمده در آن به شمار می‌رود.

بررسی میدانی نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری و فقر وجه مشترک بسیاری از خانوارهای ساکن در چمن به ویژه چمن شمالی است. علی‌رغم وجود پیوستگی‌های قومی و فرهنگی در چمن، قوی‌ترین محور پیونددهنده آنان منافع و جایگاه اجتماعی و اقتصادی است. در این سکونتگاه با توجه به مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی، بدبینی به مدیریت شهری و کل شهر و تا حدی احساس انزوا در میان ساکنان وجود دارد. در مجموع، چمن به ویژه چمن شمالی را می توان مصداق آلونک نومیدی و رو به زوال دانست.

دولت آباد وضعیت متفاوتی دارد. این سکونتگاه با فعالیت یک باند واسطه و با اغماض نهادهای مرتبط، در اواسط دههٔ ۱۳۵۰ تا ابتدای دههٔ ۶۰ گسترش یافت و رفته رفته تثبیت شد. اگر چه پایهٔ شکل‌گیری دولت آباد غیررسمی بوده است، اما اکنون یک محلهٔ رسمی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تقریباً با تمام زیرساخت‌های مورد نیاز است. به دلیل موقعیت و دسترسی مناسب و همجواری با مجموعهٔ دیزل‌آباد که عمدتاً خدمات تعمیر خودرو و انبار و آهن‌فروشی است، از جایگاه ویژه‌ای در خدمات‌رسانی در سطح شهر نیز یافته است .

از لحاظ اجتماعی، ساکنان آن عمدتاً از عشایر و روستائیان غرب استان کرمانشاه و جنوب استان کردستان هستند که غالباً در دههٔ ۶۰ و متاثر از جنگ تحمیلی به شهر کوچیده‌اند؛ البته در این میان گروه زیادی از ساکنان با سابقهٔ شهر نیز در آن سکنی گزیده‌اند. سکونت خانوارهای با درآمد متوسط و کافی، سطح آموزش مناسب و تخصص و مهارت‌های کافی، بالا رفتن سرانه‌ها و برخورداری نسبی مطلوب از تسهیلات، سرمایهٔ اجتماعی قابل اتکا، بهبود شرایط مسکن، همه و همه نشان‌دهندهٔ روند رو به ارتقای محلهٔ دولت‌آباد است، به نحوی که این سکونتگاه را می‌توان مصداقی از آلونک‌های امید دانست که راه بهبود و اصلاح را طی می‌کند. رونق اقتصادی، افزایش ارزش زمین، ساخت و ساز و به‌سازی پررونق مسکن و محله و مشارکت فعال ساکنان نشان‌دهندهٔ ارتقای این محله است. هم‌زمان پیوند مردم با منابع تولید روستا و ورود مازاد اقتصادی کشاورزی به محله بر سرعت این روند افزوده است.

اما سرخه لیژه سکونتگاهی تقریباً منزوی است که بسیار دیرتر با شهر پیوند خورده است. مساکن آن ترکیبی از مساکن روستای قدیم و مساکن شبه شهری و یا فقیرانهٔ جدیدتر است. هنوز فضاهای باز و زمین‌های کشاورزی بخش عمده‌ای از وسعت محله را فرا گرفته‌اند. با وجود این که غالب ساخت و ساز غیر رسمی است، اما هیچ جنبهٔ غیرقانونی ندارد. یکی از شایع‌ترین الگوهای ساخت و ساز در این مکان تخریب مساکن وسیع روستایی و تقسیم به چند قطعهٔ کوچک‌تر است.

در کنار ساکنان قدیمی، ورود گروهی از کم درآمدهای شهری به صورت مالک و مستأجر به این سکونتگاه نیز چشمگیر است. در این میان خانوارهای متعلق به گروه‌های متوسط شهری (کارمندان و بازنشستگان) نیز مشاهده می‌شوند که به شکلی در پی جبران هزینه‌های افزایش یافتهٔ زندگی و کاهش مخارج هستند. این گروه عمدتاً دارای فرزندان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جوان هستند که باید هزینه‌های تحصیل، اشتغال و یا ازدواج آنان تامین شود. حفظ ویژگی‌های روستایی (کالبدی، اجتماعی) در سرخه لیژه مشهود است و مشکلات بهداشتی و محیطی ناشی از فعالیت‌های دامداری شاخص است. در مجموع سرخه لیژه را باید بیشتر از گروه سکونتگاه‌های رو به بهبود قلمداد کرد که آرام و پیوسته در حال ارتقا است. تحول نیمهٔ شرقی آن با توجه به ارائهٔ بسیاری از خدمات در روند پیوستگی کالبدی با محله رسمی پیرامون قابل توجه است.

۴) نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران از جمله در کرمانشاه دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند که از روند تکوین و تکامل و موقعیت آن‌ها ناشی شده است. سکونتگاه بر اساس موقعیت جغرافیایی، مطلوبیت مکان، ویژگی‌های گروه‌های اجتماعی ساکن، سطح خدمات و تسهیلات، برنامه‌های پیش رو و امید به آینده، از ارزش سکونتی متفاوتی برخوردار می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران می‌توان به نحوی گونه‌شناسی محلات امید و یاس را بازشناخت. با وجود این می‌توان اذعان داشت که محلات ناامیدکننده و رو به نزول، همچون چمن در کرمانشاه، بخش اندکی از سکونتگاه‌های غیررسمی را شامل می‌شود و بخش عمده‌ای از این سکونتگاه‌ها در تحولات چند سالهٔ اخیر راه بهبود و اصلاح را پیموده‌اند.

از سوی دیگر محلات و اجتماعات مصداق ناامیدی و زوال اگرچه مشابه آن‌چه که استاکس یادآوری می‌کند، دارای ویژگی‌های ناامیدکننده‌اند، اما دقیقاً مشابه آن‌چه که ترنر ساکنان آن را تازه‌واردان کم‌درآمد می‌نامد نیستند. در واقع این بررسی نشان می‌دهد که این اجتماعات ترکیبی از تازه‌واردان کم‌درآمد و ساکنان با سابقهٔ شهری را در بر دارد که با توجه به آسیب‌های اجتماعی و ناتوانی در ادامهٔ اقامت در محلات رسمی به این محله رانده شده‌اند. از این منظر می‌توان اذعان داشت که تشکیل اجتماعاتی با محوریت آسیب‌های اجتماعی فرصت مناسبی برای مدیریت است تا گروه هدف در برنامه‌ریزی برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کاهش رفتارهای پرخطر را به راحتی در دسترس داشته باشد.

ویژگی‌های برشمرده شده در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، قابلیت‌ها و محدودیت‌های ذاتی متفاوتی برای سیر صعودی و ارتقای محیطی و یا سیر نزولی و زوال محیطی ایجاب می‌نماید، لیکن رویکرد برنامه‌ریزی و نظام مدیریت شهری تاثیر به سزایی در هدایت سکونتگاه به این و یا آن سیر و در نتیجه ایجاد فضای امید و بالندگی و یا یأس و میرندگی دارد. در این راستا پذیرفتن اسکان غیررسمی نه تنها به عنوان مسأله، بلکه به عنوان بخشی از راه حل تأمین مسکن شهروندان تهی‌دست نخستین گام است که در ادامهٔ آن اتخاذ سیاست‌های توانمندساز این گونه اجتماعات محلی ضروری است. روشن است که در روند تحول و تثبیت سکونتگاه‌های غیررسمی و اجتماع ساکن در این محلات، در مورد گروهی که در سکونتگاه‌های در حال افول زندگی می‌کنند، نگرانی‌های بیشتری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر آن است که به فراخور گونه‌های متفاوت سکونتگاه‌های غیررسمی، سیاست‌ها و اقدامات متفاوتی باید در دستور کار مدیران شهری قرار گیرد تا گام برداشتن شهروندان تهی‌دست به سوی شرایطی بهتر رهگشایی شده و یکپارچگی با متن را بر جای جدایی گزینی حاشیه بنشیند. بدون شک در ساماندهی وتوانمندسازی محلات در حال افول مانند چمن باید رویکردی شهرنگر مورد توجه قرار گیرد که هم‌زمان آسیب‌های اجتماعی، تامین نیازهای پایه و تامین حداقل معیشت به ویژه در بخش غیررسمی را در کانون توجه داشته باشد. تامین حق سکونت به منزلهٔ نخستین گام اعتمادسازی اجتماعات مذکور و نیز تشکیل سرمایهٔ اقتصادی ـ اجتماعی لازم برای اقدامات به‌سازی ضروری است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع

References

- احسن، مجید؛ نیرومند، مصطفی و حسینی کازرانی، سیدرضا. (۱۳۵۱)، **حاشیه‌نشینان همدان وکرمانشاه**، بخش جامعه‌شناسی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پاتر، رابرت.ب و ایونز، سلی لوید. (۱۳۸۴)، **شهر در جهان در حال توسعه** (ترجمهٔ کیومرث ایراندوست و دیگران)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۳)، **آلونک‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری با نگاهی به شرایط ایران (مجموعه مقالات)**، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، سال‌های ۱۳۶۶تا ۱۳۷۴.
- حاج یوسفی، علی اکبر. (۱۳۸۰)، «حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه هفت‌شهر**، سال سوم، شمارهٔ هشتم.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۹)، «جهانی شدن؛ شهر و شهری شدن جهان: طرح مسئله‌ای برای جنوب»، **اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی**، شمارهٔ ۱۵۶–۱۵۵.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۲)، **بازنگری ویژگی‌های اسکان خود انگیخته در ایران، در جستجوی راه کارهای توانمندسازی، در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)**؛ دانشگاه علوم بهزیستی، جلد دوم.
- گیلبرت، آلن، و گالکر، ژوزف. (۱۳۷۵)، **شهرها، فقر و توسعه** (ترجمهٔ پرویز کریمی ناصری)، شهرداری تهران.
- مرکز آمار ایران، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.**
- مهندسان مشاور تدبیر شهر. (۱۳۸۲)، **گزارش مرحله اول توانمندسازی اسکان غیررسمی کرمانشاه.**
- وزارت مسکن و شهرسازی. (۱۳۷۴)، «حاشیه‌نشینی آثار و پیامدهای آن بر شهرها: شهروند دانستن کم درآمدها»، **گزارش مرحله پنجم «نتیجه‌گیری و راه‌حل‌ها»**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- وزارت مسکن و شهرسازی. (۱۳۸۳)، **سندتوانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی.**
- هاروی، دیوید. (۱۳۸۲)، «فرایند شهری در سرمایه‌داری: مبنای تحلیل» (ترجمهٔ کیومرث ایراندوست)، **فصلنامه اقتصاد سیاسی**، سال اول، شمارهٔ ۴.

- Alsaayyad, Nezar. (2004), "Urban Informality as a “New” Way of Life", in: Roy, Ananya & Nezar Alsayyad(Eds.).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

References منابع

- De Soto, Hernando. (1989) **The Other Path** "**The Invisible Rrevolution in the Third World**" ,Harper and Rom, New York.
- Hall, Peter & Ulrich, Preiffer. (2000), **Urban future 21. A Global Agenda for Twenty-first Century Cities**, E&FN Spone London.
- Perlman, Janice E. (2004), "Marginality: From Myth to Reality in the Favelas of Rio de Janeiro, 1969-2002", in: Roy, Ananya & Nezar Alsayyad (Eds.).
- Piran, Parviz. (2002), **Poverty Alleviation in Sistan and Baluchestan: The Case of Shirabad**. UNDP.
- UN- HABITAT (2003), **The Challenge of Slums; Global Report on Human Settlement.**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]